

برنامه ریزی «کادرسازی»

ضرورت انقلاب

دسیسه‌هایی که از جانب محافل مختلف داخلی و خارجی بر علیه انقلاب اسلامی بکار گرفته شده بر شدت این ضربات افزوده و بدانها سرعت بخشیده است. به این ترتیب از یکسو انقلاب با کمبود افراد متعهد و متخصص روبرو بوده است و از طرف دیگر بعلاوه وجود برنامه‌ریزی در هر یک از زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین نیرنگهایی که از جانب ابرقدرتها و بخصوص امپریالیسم آمریکا بر علیه آن بکار گرفته شده است. دچار کندی و خرده کاری و عدم پدید آمدن انسجام لازم و قرار نگرفتن آن در روال طبیعی بوده است. با این توضیحات روشن است که عمده ترین ضرورت‌هایی که انقلاب اسلامی با آن روبرو می‌باشد در وهله اول برنامه‌ریزی و سپس پرداختن به مسئله کادرسازی می‌باشد. اهمیت این مطلب امروز بیشتر از گذشته مشهود و ملموس می‌باشد زیرا دشمنان نیز با پی بردن به این دو ضعف انقلاب درصددند تا از همین نقاط ضربات خود را بر بیکر انقلاب وارد آورند. موج ترور شخصیتها که از چندین هفته پیش آغاز شده است بر همین مبنا استوار است و تحلیل این گروهها چنین است که نظام جمهوری اسلامی بعلاوه عدم وجود برنامه‌ریزیهای درازمدت فاقد مشخصات یک «نظام» بوده و تنها بر پایه وجود برخی افراد و شخصیتها اداره میشود و عبارات دیگر خط کلی‌نی حاکم بر انقلاب نبوده و نظرات شخصی افراد و شخصیتهاست که موجب دوران چرخ حکومت می‌باشد. بر اساس این تحلیل این گروهها می‌خواهند کلیه مهره‌ها را از صحنه خارج ساخته و ابتدا زمینه را برای توقف کامل امور فراهم آورند و بعد بدنبال بروز هرج و مرج و ناامنی در جامعه شرایط را برای برقراری یک دیکتاتوری موقت فراهم آورند. یعنی آنکه وضعیت را به جانی برسانند که در اثر اغتشاش و ناامنی، مردم خود خواستار حکومتی قاطع و سرکوبگر شده و پذیرای دیکتاتوری شوند. البته تحلیل این گروهها آن است که بعلاوه شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران، دیکتاتوری بدین شکل، نمی‌تواند در آن پایدار باشد و بعد از بروز این دیکتاتوری موقت نوبت به حاکمیت مطلق آنان خواهد گردید. این نکته را بنی صدر معزول و فراری هم در مصاحبه‌ای با ساندی تایمز در تاریخ ۱۱/مرداد/۶۰ ذکر کرده است بدین ترتیب که: «هر زمان گروه مجاهدین همراه شش گروه مسلح دیگر، کلیه نمایندگان خمینی در سراسر کشور را از بین خواهند برد و ارتش در بحرانی ترین مراحل برای پاسخ به آرزوی ملت ایران دخالت کرده و از رئیس جمهور قانونی خواهند خواست به کشور بازگردد، البته باید بگوئیم که ما تحلیل این گروهها و بنی صدر را تحلیلی درست نمی‌دانیم و آنها مثل همیشه از توجه کردن به بعضی واقعیت‌های دیگر برای رسیدن بدین تحلیل عاجز بوده و بقول امام آنها نیروی اسلام و مردم را نشناخته‌اند. اما با اینحال اینک زمان آن رسیده است که بجای مبنا قراردادن حرفها و تحلیل‌های این وان به خود بیردازیم و با واقع بعبه در صفحه ۴۴

از جمله و یا کجایان انقلاب اسلامی که در ضمن در تاریخ انقلاب‌های نهایی که نظم سیزده ساله سرعت فوق العاده آن در قطع نهایی و دستیابی سریع آن به اولین مرحله‌های برنامه‌ریزی و کادرسازی شاهنشاهی بوده است. اگر چه برای جنبه‌های مثبت فراه آن در نظر نگرفته‌اند. از بعضی جهات نیز موجب پدید آمدن مشکلاتی برای انقلاب گردیده است که از جمله مهمترین آنها عدم وجود برنامه‌ریزیهای درازمدت برای آینده انقلاب بوده است. برای روشن تر شدن مسئله مثالی ذکر می‌کنیم. جنبه‌های رهائی بخشی نظیر فلسطین یا پولیساریو علیرغم داشتن ضمه‌های ایدئولوژیک و استراتژیک فراه آن در زمینه خط حرکتشان اگر چنانچه در آینده به هدف‌های خود دست یابند و بردشمنانشان پیروز شوند در انجام آنها با مشکلات کمتری روبرو خواهند بود زیرا بعلاوه طولانی بودن دوران مبارزه آنها هم برنامه حکومتی داشته و هم آنکه دارای کادری ورزیده برای در دست گرفتن امور می‌باشند. هم اینک نیز این قبیل نهضت‌ها دارای وزرای مختلف بوده و در تشکیلات داخلی خود دارای نظم و انسجام کامل یک حکومت سمی می‌باشند و این در حالی است که سرعت فوق العاده انقلاب اسلامی فراموش شده شدن کادریهای ورزیده و در خط انقلاب برای درست گرفتن امور انقلاب را پدید نیآورده است. و از همین رهگذر نیز انقلاب اسلامی ضربات مهلکی خورده و در ادامه مسیر خود دچار کندی‌هایی شده است که مهمترین آنها درست گرفتن پستهای کلیدی و حساس در زمان دولت موقت از جانب عناصر ناپاب و همچنین ظاهر شدن بنی‌صدر در مقام ریاست جمهوری بوده است. فی‌المتل دولت موقت را در نظر بگیریم و تنها به لیست وزرای این دولت نظری بیفکنیم تا عمق فاجعه روشن شود. وزیر نفت آن دولت احسن زویه) جزو فاریان خارج از کشور است. سخنگوی آن دولت (امیر انتظام) به جرم جاسوسی در زندان بسر میرد. وزیر کشاورزی آن دولت (آیزدی) مدارکش در جاسوسخانه بدست آمده و علاوه بر آن جز ملاکین و فتواله‌های ناسابقه می‌باشد. وزیر خارجه آن دولت (کریم سنجابی) رئیس جبهه ارتداد ملی بوده است. وزیر ارشاد آن دولت (میناجی) دارای اسناد و مدارک معتابیهی در جاسوسخانه بوده و به همت بنی‌صدر از جنگال عدالت گریخته است. وزیر کار آن دولت (داریوش فروهر) از سران خیانتکار حزب ملت بوده است. وزیر کشور آن دولت (صدر حاج سیدجوادی) که با فرستادن امثال یونسی به کردستان و ظاهر احمدزاده به خراسان و مقدم مراغه‌ای به آذربایجان بعنوان استاندار، میلیونها تومان بوجه مملکت را هدر داد. وزیر دفاع آن دولت (مدنی) که اشک فراری بوده و از سران جبهه متحد ضدانقلاب می‌باشد و تازه این گوشه‌ای از کارنامه درخشان آن دولت می‌باشد. بهرحال سخن بر سر ضرباتی بود که انقلاب اسلامی از بابت نداشتن یا شناختن کادریهای ورزیده و انقلابی برای اداره امور خود بود ذکر این نکته نیز ضروری می‌باشد که موج نیرنگها و

* کمبود افراد متعهد و متخصص

از یکطرف و عدم وجود برنامه‌ریزی در هر یک از زمینه‌های اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز نیرنگهای بیشمار ابرقدرتها باعث ایجاد کندی، خرده کاری و عدم ایجاد یک انسجام در صف نیروهای انقلاب شده است.

* گروهها می‌خواهند تا با ایجاد

هرج و مرج و ناامنی در جامعه شرایط ایجاد یک «دیکتاتوری موقت» را فراهم آورند. دیکتاتوری‌ای که مردم خود خواستار آن شوند.

* باید به خود برگشت و با واقع

بینی و بدور از توجیه کاری ضعفهای گذشته، به برطرف کردن آنها پرداخت تا به سبب آن بتوان به تقویت انقلاب اسلامی همت گماشت.

* در هر نوع برنامه ریزی باید به

این نکته دقیقاً توجه داشت که باید از نیروی مردم و بسیج آنها در هر زمینه‌ای کمک گرفت.

* تجربه نشان داده است که با

انجام هر عمل انقلابی، گروههای سیاسی مخالفت به ضعف و انزوا افتاده‌اند و حتی در مواردی نظیر چریکهای فدائی خلق باعث ایجاد انشعابهای مکرر آنها شده است.

